



معرفت نفس شیوه تربیتی علامه قاضی / حکایت کاهو خریدن مرحوم قاضی

علامه طهرانی با استناد به سخنان علامه طباطبایی، شیوه سلوکی مرحوم آیت الله قاضی را معرفت نفس خوانده و می گوید: مرحوم قاضی شاگردان خود را هر یک طبق موازین شرعیّه با رعایت آداب باطنیه اعمال و حضور قلب در نمازها و اخلاص در افعال، به طریق خاصی دستورات اخلاقی می دادند؛ و دل های آنان را آماده برای پذیرش الهامات عالم غیب می نمودند.

خبرگزاری مهر- علامه طهرانی با استناد به سخنان علامه طباطبایی، شیوه سلوکی مرحوم آیت الله قاضی را معرفت نفس خوانده و می گوید: مرحوم قاضی شاگردان خود را هر یک طبق موازین شرعیّه با رعایت آداب باطنیه اعمال و حضور قلب در نمازها و اخلاص در افعال، به طریق خاصی دستورات اخلاقی می دادند؛ و دل های آنان را آماده برای پذیرش الهامات عالم غیب می نمودند. مرحوم علامه آیه الله حاج سید محمدحسین حسینی طهرانی قدس سره به مناسبت های مختلف در تألیفات و بیانات خویش سخن از مرحوم علامه آیه الله حاج سید علی قاضی طباطبایی رضوان الله علیه به میان آورده و سیره و سلوک ایشان باری بیان مطالب بهره برده اند.

علامه طهرانی در کتاب مطلع انوار (ج 2) می نویسد: مرحوم قاضی دارای دو جنبه علم و عرفان بود؛ یعنی در علوم ظاهریّه فقهیه عظیم و عالمی جلیل، و در علوم باطنیه عارفی واصل و انسانی کامل بود که أسفار اربعه را طی نموده، و جمع میان ظاهر و باطن و شریعت و طریقت او را بتمام معنی الکلمه به وادی حقیقت علی التحقیق رهبری نموده است.

با علمائی که پیوسته به نوشتن کتب ظاهری و بحثهای بلاطائل و مفصل اصول فقه می پرداختند و بالتّیجه دستشان از معرفت تهی می ماند خرده می گرفت و در نزد شاگردان خود این طریقه را تقبیح می نمود. و همچنین با دراویش و متصوّفهای که به ظاهر شرع اهمیّت نمی دهند سخت در معارضه و نبرد بود و می فرمود: ««؛سلوک راه خدا با عدم اعتنای به شریعت که نفس راه و طریقت است جمع میان متضادین و یا متناقضین است.»

در احوال مرحوم قاضی

ایشان همچنین در کتاب مهر تابان (یادنامه علامه طباطبایی) احوالات مرحوم آقا سید علی قاضی - رضوان الله علیهم - را بدین شرح آورده است: مرحوم قاضی از بنی اعمام ایشان [علامه طباطبایی] بوده اند، و در نجف اشرف به تربیت شاگردان الهی و وارستگان و شوریدگان جمال الهی و مشتاقان لقاء و زیارت حضرت احدیّت مشغول و در آن خطه، عالم وحید و یگانه در این فنّ بوده اند؛ بطوری که ایشان نام ««؛استاد» را فقط بر او می بردند، و هر وقت استاد بطور اطلاق می گفتند مراد مرحوم قاضی است؛ و گویا در مقابل مرحوم قاضی، تمام اساتید دیگر با وجود آن مقام و عظمت علمی، کوچک جلوه می کردند. لیکن در مجالس عمومی اگر مثلاً سخن از اساتید ایشان [علامه طباطبایی] به میان می آمد، از فرط احترام، نام ««؛قاضی» را نمی بردند و او را هم ردیف سایر اساتید نمی شمردند... ولیکن در جائیکه محلّ مناسب ذکر آن بزرگوار بود، از ذکر آن دریغ نداشتند و با تجلیل و تکریمی خاصّ بیان می نمودند.

شدت علاقه و احترام علامه نسبت به مرحوم قاضی

مرحوم علامه طهرانی ادامه می دهد: باری، استاد ما [علامه طباطبایی] نسبت به استاد خود مرحوم قاضی علاقه و شیفتگی فراوانی داشت، و حقّاً در مقابل او خود را کوچک می دید؛ و در چهره مرحوم قاضی یک دنیا عظمت و اِبهت و اسرار و توحید و ملکات و مقامات می جست. من یک روز به ایشان عطر تعارف کردم، ایشان عطر را به دست گرفته، و تأمّلی کردند و گفتند: دو سال است که استاد ما مرحوم قاضی رحلت کرده اند؛ و من تا به حال عطر نرده ام. و تا همین زمان اخیر نیز هر وقت بنده به ایشان عطری داده ام، در آنرا می بستند و در جیبشان می گذاردند.

تربیت عرفانی علامه طباطبایی نزد استاد قاضی

علامه طهرانی نحو آشنایی علامه طباطبایی با مرحوم قاضی و دستورات ایشان را چنین بیان می کند: استاد علامه می فرمودند: چون به نجف اشرف برای تحصیل مشرف شدم، از نقطه نظر قرابت و خویشاوندی و رَحِمِیّت گاهگاهی به محضر مرحوم قاضی شرفیاب می شدم؛ تا یک روز در مدرسه ای ایستاده بودم که مرحوم قاضی از آنجا عبور می کردند، چون به من رسیدند دست خود را روی شانه من گذاردند و گفتند: ««؛ای فرزند! دنیا می خواهی نماز شب بخوان؛ و آخرت می خواهی نماز شب بخوان!» این سخن آنقدر در من اثر کرد که از آن به بعد تا زمانیکه به ایران مراجعت کردم پنج سال تمام در محضر مرحوم قاضی روز و شب بسر می بردم؛ و آنی از ادراک فیض ایشان دریغ نمی کردم. و از آن وقتی که به وطن مألوف بازگشتم، تا وقت رحلت استاد پیوسته روابط ما برقرار بود و مرحوم قاضی طبق روابط استاد و شاگردی دستوراتی می دادند و مکاتبات از طرفین برقرار بود. ایشان می فرمودند: ««؛ما هر چه

نویسنده مهر تابان می افزاید: مرحوم قاضی از مجتهدین عظام بود، ولی مقید بودند که در منزل خود درس بگویند؛ و دوره‌هایی از فقه درس داده‌اند. و نماز جماعت را نیز برای شاگردان خود در منزل اقامه می‌نموده‌اند، و نماز ایشان بسیار با طمأنینه بود و طول می‌کشید. و پس از نماز مغرب که در اوّل استتار شمس تحت الافق اقامه می‌کردند، تا وقت عشاء به تعقیبات مغرب می‌پرداختند؛ و قدری طول می‌کشید.

در ماه مبارک رمضان شاگردان برای ادراک نماز مغرب به جماعت ایشان می‌رفتند، و چون بعضی تا ذهاب حُمره مشرقیه از سمت الرّأس مبادرت به نماز نمی‌کردند، لذا از ایشان تقاضا می‌کردند که قدری صبر کنند؛ و ایشان هم صبر می‌کردند، ولی سماور روشن بود و مرحوم قاضی به مجرّد استتار قرص، افطار می‌کرده‌اند.

در دهه اوّل و دوّم ماه رمضان، مجالس تعلیم و انس در شب‌ها بود؛ در حدود چهار ساعت از شب گذشته شاگردان به محضر ایشان می‌رفتند و دو ساعت مجلس طول می‌کشید. ولی در دهه سوّم، مجلس تعطیل بود و مرحوم قاضی دیگر تا آخر ماه رمضان دیده نمی‌شدند؛ و هر چه شاگردان به دنبال ایشان می‌گشتند در نجف، در مسجد کوفه، در مسجد سهله، و یا در کربلا، ابداً اثری از ایشان نبود. و این رویه مرحوم قاضی در همه سال بود تا زمان رحلت.

سیره علمی مرحوم قاضی

علامه طهرانی خاطرنشان می‌کند: مرحوم قاضی در لغت عرب بی نظیر بود؛ گویند: چهل هزار لغت از حفظ داشت. و شعر عربی را چنان می‌سرود که اعراب تشخیص نمی‌دادند سراینده این شعر عجمی است. روزی در بین مذاکرات، مرحوم آیت الله حاج شیخ عبد الله مامقانی رَحْمَةُ اللهِ عَلَيْهِ به ایشان می‌گوید: من آنقدر در لغت و شعر عرب تسلط دارم که اگر شخص غیرعرب، شعری عربی بسراید من می‌فهمم که سراینده عجم است؛ گرچه آن شعر در اعلی درجه از فصاحت و بلاغت باشد. مرحوم قاضی یکی از قصائد عربی را که سراینده‌اش عرب بود شروع بخواندن می‌کند. و در بین آن قصیده، از خود چند شعر بالبداهه اضافه می‌کند، و سپس به ایشان می‌گوید: کدام یک از اینها را غیر عرب سروده است؟ و ایشان نتوانستند تشخیص دهند.

مرحوم قاضی در تفسیر قرآن کریم و معانی آن ید طولائی داشت. و مرحوم استاد ما علامه طباطبائی می‌فرمود: این سبک تفسیر آیه به آیه را مرحوم قاضی به ما تعلیم دادند، و ما در تفسیر، از مسیر و ممشی ایشان پیروی می‌کنیم. و در فهم معانی روایات وارده از ائمه معصومین ذهن بسیار باز و روشنی داشتند، و ما طریقه فهم احادیث را که «؛فقه الحدیث» گویند از ایشان آموخته‌ایم.

کیفیت تربیت مرحوم قاضی

علامه طهرانی با تأکید بر این نکته که مرحوم قاضی در تهذیب نفس و اخلاق و سیر و سلوک در معارف الهیه، و واردات قلبیه، و مکاشفات غیبیه سبحانیه، و مشاهدات عینیّه، فرید عصر و حسنه دهر و سلمان زمان و ترجمان قرآن بود، درباره کیفیت تربیت مرحوم قاضی ادامه می‌دهد: چون کوهی عظیم سرشار از اسرار الهی بود، و به تربیت شاگردان در این قسمت همت می‌گماشت. و روزها در مجالس خصوصی که در منزل داشت، شاگردان ساعتی مجتمع می‌شدند، و آن مرحوم به نصیحت و موعظه و پند و ارشاد می‌پرداخت. جمع کثیری از اعلام به یمن تربیت او در احقاب مختلف، در مسیر حقیقت قدم برداشتند، و صاحب کمالات و مقامات گشتند. و از وارستگان و پاکان و آزادگان شدند؛ و به نور معرفت توحید منور، و در حرم امن وارد، و عالم کثرت و اعتبار را در هم نوریدند... .

ایشان در مورد تربیت سلوکی مرحوم قاضی چنین بیان می‌کند: مرحوم قاضی رضوانُ الله علیه خود در امور معرفت، شاگرد پدرشان مرحوم آیه الحقّ آقای سید حسین قاضی که از معاریف شاگردان مرحوم مُجَدّد آیه الله حاج میرزا محمدحسن شیرازی رَحْمَةُ اللهِ عَلَيْهِ بوده‌اند، می‌باشند و ایشان شاگرد مرحوم آیه الحقّ امام قلی نخجوانی و ایشان شاگرد مرحوم آیه الحقّ آقا سید قریش قزوینی هستند.

ولی چون مرحوم قاضی به نجف آمدند، در تحت تربیت مرحوم آیه الحقّ آقای سید أحمد کربلائی طهرانی قرار گرفتند و با مراقبت ایشان طیّ طریق می‌نموده‌اند. مرحوم قاضی، نیز سالیان متمادی ملازم و همصحبت مرحوم عابد زاهد ناسک، وحید عصره حاج سید مرتضی کشمیری رضوانُ الله علیه بوده‌اند؛ البتّه نه بعنوان شاگردی، بلکه به عنوان ملازمت و استفاده از حالات؛ و تماشای احوال و واردات. و البتّه در مسلک عرفانیّه بین این دو بزرگوار تابینی بعید وجود داشته است.

شیوه سلوکی مرحوم قاضی

علامه حسینی طهرانی با تاکید بر این مسأله که طریقه تربیت آیه الحق آقای سید احمد کربلائی طبق رویه استادشان مرحوم آخوند ملا حسینقلی همدانی، معرفت نفس بوده و برای وصول به این مرام، مراقبه را از اهم امور می‌شمردند، شیوه مرحوم قاضی را علاوه بر این، چنین بر می‌شمرد: مرحوم قاضی شاگردان خود را هر یک طبق موازین شرعیّه با رعایت آداب باطنیه اعمال و حضور قلب در نمازها و اخلاص در افعال، به طریق خاصی دستورات اخلاقی می‌دادند؛ و دل‌های آنان را آماده برای پذیرش الهامات عالم غیب می‌نمودند.

خود ایشان در مسجد کوفه و مسجد سهله حجره داشتند، و بعضی از شب‌ها را به تنهائی در آن حجرات بیتوته می‌کردند؛ و شاگردان خود را نیز توصیه می‌کردند بعضی از شب‌ها را به عبادت در مسجد کوفه و یا سهله بیتوته کنند. و دستور داده بودند که چنانچه در بین نماز و یا قرائت قرآن و یا در حال ذکر و فکر برای شما پیش آمدی کرد؛ و صورت زیبایی را دیدید؛ و یا بعضی از جهات دیگر عالم غیب را مشاهده کردید، توجّه ننمائید؛ و دنبال عمل خود باشید!

کمالات استاد مرحوم قاضی

علامه طهرانی می‌افزاید: مرحوم قاضی از نقطه نظر عمل، آیتی عجیب بود. اهل نجف و بالاخص اهل علم از او داستانهای دارند. در نهایت تهیدستی زندگی می‌نمود با عائله سنگین، و چنان غرق توکل و تسلیم و تفویض و توحید بود که این عائله به قدر ذره‌ای او را از مسیر خارج نمی‌کرد.

یکی از رفقای نجفی ما که فعلاً از اعلام نجف است برای من می‌گفت: من یک روز به دکان سبزی فروشی رفته بودم، دیدم مرحوم قاضی خم شده و مشغول کاهو سوا کردن است؛ ولی به عکس معهود، کاهوهای پلاسیده و آنهاییکه دارای برگهای خشن و بزرگ هستند بر می‌دارد. من کاملاً متوجّه بودم؛ تا مرحوم قاضی کاهوها را به صاحب دکان داد و ترازو کرد، و مرحوم قاضی آنها را در زیر عبا گرفت و روانه شد. من که در آنوقت طلبه جوانی بودم و مرحوم قاضی مردّ مُسنّ و پیرمردی بود، به دنبالش رفتم و عرض کردم: آقا من سؤالی دارم! شما به عکس همه، چرا این کاهوهای غیر مطلوب را سوا کردید؟!

مرحوم قاضی فرمود: آقا جان من! این مرد فروشنده، شخص بی بضاعت و فقیری است، و من گاهی به او مساعدت می‌کنم؛ و نمی‌خواهم چیزی به او بلا عوض داده باشم تا اوّل آن عزّت و شرفِ آبرو از بین برود؛ و ثانیاً خدای ناخواسته عادت کند به مجانی گرفتن؛ و در کسب هم ضعیف شود و برای ما فرقی ندارد کاهوی لطیف و نازک بخوریم یا از این کاهوها؛ و من می‌دانستم که اینها بالاخره خریداری ندارد، و ظهر که دکان خود را می‌بندد به بیرون خواهد ریخت، لذا برای عدم تضرّر او مبادرت به خریدن کردم.